

## اثربخشی آموزش به شیوه قصه‌گویی و بازی بر بهبود عملکرد دانش‌آموزان ابتدایی شهر گرمسار

نگین نادری

کارشناس مهندسی معماری

Shahab.farokhnejad75@gmail.com

### چکیده

قصه‌گویی و بازی کردن برای کودکان، فعالیتی لذت بخش است که از جذابیت بسیار بالایی برخوردار است و بهره‌گیری از آن در آموزش خصوصاً در مقطع ابتدایی می‌تواند به افزایش انگیزه در دانش‌آموزان و در نتیجه یادگیری بهتر بینجامد. پژوهش حاضر با هدف تأثیر آموزش به شیوه قصه‌گویی و بازی بر بهبود عملکرد دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار صورت گرفت. پژوهش از نوع تجربی پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود. به همین منظور از بین کلیه دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار تعداد ۳۶ دانش‌آموز که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ در مدارس ابتدایی این شهر مشغول به تحصیل بودند با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی بعنوان نمونه پژوهش انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۳۰-۱۵ دقیقه‌ای تحت آموزش قرار گرفت. قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل، از آزمون بهبود عملکرد وایتمن (۱۹۹۰) بعنوان ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. سپس داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس یکراهه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های به دست آمده نشان داد آموزش دروس ابتدایی به شیوه قصه‌گویی و بازی موجب افزایش بهبود عملکرد دانش‌آموزان می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش، شیوه قصه‌گویی و بازی، بهبود عملکرد.

## ۱- مقدمه

روش آموزش مبتنی بر بازی، ابزارهایی مؤثر هستند که به کمک آن‌ها می‌توان به افزایش خلاقیت دانش‌آموزان کمک کرد، به ویژه اگر این دانش‌آموزان در ساخت بازی شرکت داده شوند. تصور و خیال هیچ حد و مرزی ندارد. معلمان می‌توانند فرصت رشد خلاقیت را درون بازی بگنجاند و دانش‌آموزان با راه‌حل‌ها و ایده‌هایی که برای یک مساله می‌دهند، خلاقیت را در خود پرورش دهند (احمدی، ۱۴۰۰). امروزه یکی از مشکلات آموزشی در مدارس، نبود جذابیت و چالش مناسب در کلاس درس است، از اینرو یکی از نقدهایی که به کلاسهای درس می‌شود عدم پویایی و بی‌انگیزگی یادگیرندگان است. بریچلند، دیولویو و موریسون (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که اغلب به کلاسهای سنتی برچسب خسته کننده بودن زده می‌شود. در واقع نزدیک به نیمی از ترک تحصیل‌کردگان گفته‌اند که دلیل اصلی ترک تحصیل آنها جذاب نبودن کلاس بوده است و ۷۵٪ بیان داشته‌اند که آنها برای انجام دادن کارهای سخت انگیزه نداشتند و جذب درس و کلاس نمی‌شدند. همچنین هنری<sup>۲</sup>، مری پرستاری (۱۹۷۷) بیان می‌کند که با شکایت بسیاری از پرستاران در مورد برنامه‌های آموزش ضمن خدمت اجباری مواجه می‌شدم. آنها بیان می‌کردند که آموزشها تکراری، وقت‌گیر و اغلب بیش از حد ابتدایی هستند اما با استفاده از بازی در آموزش شاهد تغییر عقیده پرستاران بودم (مهدوی نسب و همکاران، ۱۴۰۰). امروزه یکی از روشهای یادگیری فعال، استفاده از بازی است. بازی در عین این که وسیله‌ی سرگرمی است، جنبه آموزشی و سازندگی نیز دارد و در برخی موارد اشتغال کودک به بازی بیش از ارزش خواندن کتاب است، کودکان در خلال بازیها به ویژه بازیهای آموزشی، به مفاهیم ذهنی جدیدی دسترسی پیدا میکنند و مهارتهای بیشتر و بهتری را کسب میکنند. آنان به کمک بازی تجارب ارزشمندی به دست می‌آورند. در حین بازی مطالب آموختنی، بدون فشار و با میل و رغبت فراگرفته میشود. به همین دلیل برخی از مربیان دست اندرکاران تعلیم و تربیت معتقدند که هرگونه مطالب درسی را باید فقط همراه با بازی به کودک آموخت و اصولاً بهتر است ساعات رسمی دروس مدارس ابتدایی را به ساعات بازیهای خلاق و آموزنده تبدیل کرد (شکفته و حجتی، ۱۳۹۴). همچنین قصه‌گویی که در ردیف وسایل توضیح و تشریح مطرح است، به تثبیت و افزایش معلومات کودکان و نوجوانان یاری می‌رساند. به علاوه، چون با طبیعت کودک نزدیکی دارد، موضوع مطالب را جالب و دوست‌داشتنی می‌کند و با تحریک امیال طبیعی آنان و عواطفشان، رغبت به یادگیری پدید می‌آورد. آموزش از طریق قصه‌گویی، مطالب را زنده، شوق‌انگیز و جذاب می‌کند. به خاطر وجود همین رابطه بین قصه گو و شنونده، آموزش با محبت و صمیمیت متقابل توأم می‌شود. مسئولان آموزش و پرورش به ویژه در دوره‌ی ابتدایی، به همان اندازه که به دروس رسمی مدرسه توجه می‌کنند، وظیفه دارند به قصه‌گویی و گنجاندن آن در جدول ساعات آموزشی نیز توجه کنند. شایسته است برای ماده‌ی قصه‌گویی در برنامه‌ی فعالیت‌های تربیتی کودکان و دبستان، ساعت‌هایی در نظر گرفته شود. البته معلم نباید به این ساعات مقید باشد، بلکه بهتر است هر زمان وقت مقتضی بود و بچه‌ها خواهان قصه بودند، برای آنها قصه گفته شود. همچنین با توجه به اینکه قصه‌گویی و بازی باعث بروز خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود و خلاقیت را در آنان شکوفا می‌کند آموزش آن به عنوان یک موضوع جدی در برنامه‌های آموزشی مورد توجه واقع شده است. (پولادی، ۱۳۹۷). قصه‌گویی را در کشف جهان پیرامون، شناخت و آشنایی با نام‌کنش‌ها و اشیا، دست‌یابی به گفتاری پربار تر و لذت بردن از شگفتی‌های زبان یاری می‌رساند. نخستین تجربه‌های بسیاری از کودکان از ادبیات فارسی با کتابهای تصویری به دست می‌آید و به آنها کمک می‌کند تا گنجینه‌های واژگان خود را معنا بخشند خواندن قصه برای کودکان این است که خواندن آن، نیروی بیان و تکلم کودک را تقویت می‌کند و گنجینه لغایت و اطلاعات وی غنی‌تر می‌شود. از آن سوی، کودک از طریق قصه‌ای مناسب با مشکلات و مسائل زندگی آشنا می‌شود و مهارت‌های اجتماعی بیشتری به دست می‌آورد. در ضمن نباید فراموش کرد که قصه‌گویی و بازی، فاصله میان قدرت خواندن و قدرت درک کردن را در کودک پر می‌

---

Game-Based Learning

2 Bridgeland, Dilulio, & Morison

3 Henry

کندوبه‌بهبود عملکرد اومی افزایش. (رحمان دوست، ۱۳۸۱). با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در خصوص موضوع می‌توان گفت؛ تاکنون پژوهش‌های اندکی در مورد تأثیر بازی و قصه در یادگیری انجام شده است. کمبود مبنای نظری در مورد روش‌های اثربخشی بازی‌های آموزشی، از مسائل مربوط به آن است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

### بیان مسأله

قصه‌گویی و بازی در کشور ما سابقه‌ای بس دیرینه و قدیمی دارد اما نفوذ وسایل ارتباط جمعی و علاوه بر آن زندگی مدرنیته، موجب شده تا نقش قصه‌گویی و بازی در طول دوران و به ویژه در نظام‌های آموزشی کم‌رنگ شود. به قصه‌گویی و بازی هنوز به عنوان یک فن نگاه نمی‌شود و در نظام آموزش و پرورش جایگاه شایسته‌ای برای قصه‌گویی و بازی به چشم نمی‌خورد. قصه‌گویی نوعی ادبیات شفاهی است. آشنایی با نوع شفاهی ادبیات درک تازه‌ای از زبان را به کودک می‌بخشد. افسانه‌ها، مثل‌ها و حکایات که در قالب قصه برای کودکان بیان می‌شود دانش زبانی آنها را غنی می‌سازد. منظور از هوش کلامی، قدرت استفاده از زبان و درک کلام است بدون آنکه شخص، اعمالی را انجام دهد. مثل حافظه، استدلال کلامی و تجسم فضایی (ناظمی، ۱۳۸۵).

قصه در قالب کلام جان می‌گیرد و اولین برخورد کودک با قصه با شنیدن واژه‌ها، جملات کوتاه و مرکب، لحن کلام است. حتی اگر آن زبان را به کار نگیرند و از واژگان آن استفاده نکنند زبان قصه را تجربه کرده و با دنیای زبانی تازه‌ای مواجه می‌شوند به این طریق کودک زبان را به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بیند و فراگیران رایاری می‌دهند بسیاری از کلمات، واژه‌ها و مفاهیم ادبی را از طریق احساس خود درک کرده و کاربرد صحیح آن را می‌آموزند. از دید برخی از روانشناسان، زبان کمک بسیار بزرگی به رشد ذهنی کودکان می‌کند و با توجه به این مطالب در می‌یابیم که قصه‌گویی و بازی چه نقش مهمی در درک و فهم کودکان دارد و همچنین کودکان می‌توانند با بهره‌گرفتن از قصه‌گویی و بازی گنجینه لغات بیشتری در محاورات روزمره کسب کنند و معنی بسیاری از لغات را درک کنند. (افشاری، ۱۳۸۷) اهمیت و ضرورت بهبود عملکرد در فرایند رو به رشد تعلیم و تربیت در عصر حاضر، توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان آموزشی را به تحلیل و بررسی آنان از دید آموزشی جلب کرده است. نظام‌های آموزشی با توجه به برنامه‌ها، اهداف، محتوا و امکانات آموزشی خود، نقش موثری در فعالسازی یا تضعیف توانایی خلاقیت در افراد دارند (حسینی، ۱۳۹۵) از سویی، بهبود عملکرد از جمله زمینه‌های پژوهشی هستند که در دهه‌های اخیر روانشناسان و پژوهشگران متعددی را به خود مشغول داشته‌اند. در سایه تلاش‌های مستمر این متخصصان روی آوردها و نظریه‌های گوناگونی در مورد هر یک از مفاهیم مزبور شکل گرفته است. (همایونی، ۱۳۸۰)

حال سوال اساسی این تحقیق این است که چه رابطه‌ای بین متغیرهای آموزش به شیوه قصه‌گویی و بازی بر بهبود عملکرد دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهرستان گرمسار وجود دارد؟ در حد اطلاعات محقق تا کنون تحقیقی که ارتباط این دو متغیر را با هم مورد مطالعه قرار داده باشد انجام نشده است. بنابراین این تحقیق در نظر دارد به بررسی تأثیر شیوه قصه‌گویی و بازی بر بهبود عملکرد دانش‌آموزان پیردازد تا کارایی شیوه‌های قصه‌گویی و بازی علاوه بر پیشرفت تحصیلی بر بهبود عملکرد دانش‌آموزان نیز مشخص شود.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

آموزش از طریق قصه‌گویی و بازی به معلمان کمک می‌کند تا به خصوصیات هوش کلامی و گنجینه لغات کودکان به صورت بهتری پی‌ببرد. هم‌چنین قصه‌گویی و بازی، ما را به عوامل مساعد کننده در افزایش هوش نزدیک می‌کند و مسلماً در آموزش دانش‌آموزان کمک شایانی به مسئولان آموزش و پرورش، روانشناسان و معلمان خواهد کرد کودکان شیفته‌ی قصه و قصه‌گویی و بازی هستند و قصه، تأثیری عمیق بر زبان کودک می‌گذارد. قصه‌ها، کودک را با واژگان، اصطلاحات، نام‌ها و ... آشنا می‌سازند و از این راه، علاوه بر ایفای نقش مهم و جدی در زبان‌آموزی، فرصت خوبی برای اصلاح لغزش‌ها و اشکالات زبانی ایجاد می‌کنند. در کنار قصه‌گویی و بازی می‌توان از کودکان خواست تا مثلاً بگویند که نام قهرمان چه بوده، از کجا حرکت کرده، چه دیده، چه گفته و چه انجام داده است. ضرورت مهم این پژوهش قصه به علت کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارد، می‌تواند بسیاری از مفاهیم را به کودکان منتقل کند. هم‌چنین با انتقال مفاهیم، به شیوه

غیرمستقیم، نه تنها باعث جذب بهتر و سریع تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می شود بلکه فهم آن ها را عینی تر و ساده تر می سازد، به همین دلیل، قصه گوئی و بازی از جدی ترین و بنیادی ترین شیوه های انتقال مفاهیم به دنیای مخاطبان، به ویژه کودکان، به شمار می آید. مفاهیم ساده علمی، طبیعی و حتی معنا و مفهوم واژگان را طی قصه و گاه بدون نیاز به توضیح، می توان منتقل کرد. وقتی کودک کلمه را به صورت دقیق تعریف می کند به نظر می رسد می توان پذیرفت که وی آن کلمه را به خوبی می شناسد و می تواند از آن در موقعیتهای کاملاً مناسب برای اهداف زبانی خود استفاده کند. در عین حال قصه ها موجب می شوند تا کودکان بتوانند با گستره های از کلمه ها آشنا شوند. بازگوئی قصه های شنیده شده فایده های بسیاری دارد، زیرا علاوه بر پرورش قدرت حافظه، قدرت بیان بچه ها را نیز تقویت می کند. بازگو کردن قصه های شنیده شده مهم ترین تمرین در پرورش قدرت بیان و تکلم بچه ها است کودکان در اثر شنیدن این توانایی را به دست می آورند تا بتوانند شنیدن فعال را تجربه کنند. کودکان طبیعتاً از شنیدن قصه لذت می برند، زیرا جریان یک زندگی ناشناخته و ماجراجویی عجیب را در آن تعقیب و کشف می کنند (مهاجری، ۱۳۸۸). می توان با بهره گرفتن از قصه گوئی و بازی کودک را تشویق می کنیم تا هر وقت معنی کلمه را نمی فهمد در مورد آن سوال کند و کلمه ها و لغاتی را که شنیده اند در صحبت هایشان به کار برند و همچنین به جای کلمات تکراری و بسیار محدود با لغات وسیع روبرو می شود و قدرت بیان کودکان را ارتقا می دهد مریبان می توانند گاه گاه از کودکان بخواهند که آنها به قصه گوئی و بازی بپردازند تا مهارت زبان آموزی گوش کردن و سخن گفتن در آنها افزایش داد و با قصه گوئی و بازی فاصله میان قدرت خواندن و درک کردن لغات پر شود. (حسینی، ۱۳۸۵) بنا بر تعاریف نظری متغیرهای آموزش به شیوه قصه گوئی و بازی، بهبود عملکرد، به نظر می رسد که هر دو ریشه در یادگیری دارند و بنابراین باید با هم مرتبط باشند. اما از نظر علمی ضروری است که وجود این رابطه در تحقیقات میدانی نیز مورد تأیید قرار گیرد. با توجه به نظریه های شناختی، امروزه در امر آموزش و یادگیری، فردی موفق است که شیوه آموزش دادن و آموختن را فرا گرفته باشد. در جامعه پیشرفته کنونی این ادعا که وظیفه نظام آموزش، انتقال معلومات از نسل گذشته به نسل آینده است، دیگر معنایی ندارد، بلکه اساس نظام آموزش در قرن بیست و یکم فراهم ساختن زمینه تجربی فعالیت های آموزشی و آموزش چگونه فکر کردن و چگونه یاد گرفتن (یادگیری یادگیری) است. از همین رو شناسایی انواع سبکهای یادگیری و متغیرهای مرتبط با آنها امری ضروری به نظر می رسد. (وانکینز، ۲۰۰۴) تعیین میزان چگونگی ارتباط بین این دو متغیر هم به لحاظ توسعه مرزهای دانش و هم استفاده کاربردی در مسائل آموزشی ضروری به نظر می رسد. چه، در صورت ارتباط بین این متغیرها، هر یک می تواند پیش بینی کننده وضعیت دیگری باشد و با سنجش یکی از آن ها در یادگیرنده می توان دو متغیر دیگر را پیش بینی کرد و بر اساس آن برای وی برنامه آموزشی تدوین و یا محتوا و چگونگی آن را ترسیم نمود (سعیدزاده، پارس جو، ۱۳۹۵). بهبود عملکرد، بخش مهمی از رشد همه جانبه کودکان است. این جنبه از رشد، ارتباط نزدیکی با ادبیات کودکان دارد. بررسی های انجام شده نشان می دهد که تقویت رفتارهای مثبت اجتماعی کودکان به صورت مستقیم یا از راه پند و اندرز شدنی نیست، بلکه ارائه الگوهای مناسب در عمل یا از طریق شخصیت پردازی های جذاب در قصه ها، اشعار، سرگذشتها و... در این زمینه تاثیرگذاری بیشتری دارد. اما این اثربخشی در صورتی امکان پذیر است که پدیدآورندگان آثار کودکان از روند بهبود عملکرد آنان آگاه باشند، عوامل موثر در این فرایند را بشناسد، از مراحل و چگونگی بهبود عملکرد کودکان اطلاع کافی داشته باشند و از انگیزه های کودکان در انجام رفتارهای اجتماعی باخبر باشند. (قاسم زاده، ۱۳۷۵)

توجه به دروس ابتدایی و پژوهش درباره آن و نقش شیوه های فعال و خلاق تدریس در افزایش بهبود عملکرد این درس می تواند پاسخی برای دغدغه اصلی محقق باشد و همچنین نتایج پژوهش برای معلمان و دانش آموزان مفید واقع شود.

#### اهداف تحقیق

<sup>4</sup> Watkins, E.A.

- هدف اصلی این تحقیق بررسی تاثیر آموزش به شیوه قصه گوئی و بازی بر میزان بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار در سال تحصیلی ۴۰۰-۱۳۹۹ می باشد.

### فرضیه های تحقیق

#### فرضیه اصلی:

- آموزش به شیوه قصه گوئی و بازی بر بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی در شهر گرمسار تاثیر دارد.
- بهبود عملکرد دانش آموزان پیش بینی کننده تاثیر آموزش به شیوه قصه گوئی و بازی است.

### روش تحقیق

این تحقیق از نوع شبه آزمایشی است و از طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه استفاده می گردد. همچنین از نظر ماهیت کمی، از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه از نوع همبستگی است. ارائه نتایج به مسئولان آموزش و پرورش برای تصمیم گیری های بهتر و افزایش کارآیی آنان از جمله اهداف کاربردی پژوهش حاضر می باشد. در این پژوهش برای گردآوری داده ها از پرسشنامه بهبود عملکرد وایتزمن (۱۹۹۰) استفاده شد. محقق پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ بدست آورد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

### یافته ها

**فرضیه اصلی:** آموزش به شیوه قصه گوئی و بازی بر بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار تاثیر می گذارد.

جهت پاسخگویی به این فرضیه تحلیل کوواریانس چند متغیره برای متغیرهای بهبود عملکرد انجام شد. این تحلیل شیوه بسط داده شده آنکوا یا تحلیل کوواریانس است و در مواردی به کار برده می شود که بیش از یک متغیر مستقل وجود داشته باشد و همچنین در مواردی که متغیرهای وابسته به آسانی نتوانند ترکیب شوند به کار می رود. نتایج این تحلیل برای بهبود عملکرد در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در بهبود عملکرد

مجدور اتای سهمی	سطح معناداری	F	مجدور میانگین	Df	مجموع مجدورات	اثر	
۰/۹۶۵	۰/۰۰	۵۱۱	۳۱۱۸۱	۲	۶۲۳۶۲	پس آزمون خلاقیت	بهبود عملکرد
۰/۹۳۷	۰/۰۰	۲۷۵	۴۰۲۵	۲	۸۰۵۱	پس آزمون بهبود عملکرد	
			۶۰/۹۲	۳۷	۲۲۵۴	پس آزمون خلاقیت	تفاوت
			۱۴/۶۳	۳۷	۵۴۱	پس آزمون بهبود عملکرد	

نتایج جدول ۱ نشان می دهد که تفاوت میانگین های تعدیل شده بهبود عملکرد دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون از نظر آماری در سطح کوچکتر از ۰/۰۱ یک سوپیه معنادار است ( $P = ۰/۰۰۰$ ،  $F = ۵۱۱$  و  $F = ۲۷۵$ ). میزان تفاوت نمرات گروه آزمایش و کنترل یا اندازه تاثیر شیوه قصه گوئی نیز در پس آزمون بهبود عملکرد ۰/۹۳۷ است؛ بدین معنی که بیش از ۹۰ درصد واریانس نمرات کل باقی مانده، متأثر از شیوه قصه گوئی می باشد. میانگین پس آزمون های تعدیل شده بهبود عملکرد دو گروه آموزش دیده به شیوه قصه گوئی و گروه کنترل با هم متفاوت بودند. برای اطمینان از معنی داری تفاوت این میانگین ها

از تحلیل کواریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که نمرات پیش آزمون اثرات معنی داری بر نمرات پس آزمون دارد.

بر اساس آنچه در بالا مورد بحث قرار گرفت فرضیه اصلی پژوهش حاضر تأیید می شود. بدین معنی که شیوه آموزش به شیوه قصه گویی بر بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**فرضیه جزئی اول: بین ابعاد بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی گروه آزمایش و گروه کنترل تفاوت وجود دارد.**

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای بهبود عملکرد در جدول ۲ آمده است. نتایج آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس گروه ها را نشان می دهد. معنی دار نبودن این آزمون نشانگر رعایت پیش فرض همگنی واریانس بین گروه هاست ( $p \geq 0/05$ ).

**جدول ۲ نتایج تحلیل کواریانس تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در بهبود عملکرد**

متغیر	آزمون لون	F	سطح معناداری	مجذور اتای سهمی	مجذور میانگین ها
بهبود عملکرد	۰/۳۶۷	۳۲۵/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۹۴۶	۴۰۶۴

بر اساس آنچه در جدول ارائه شده است و همچنین نتایج توصیفی گروه های آزمایش و گواه می توان نتیجه گرفت که فرضیه فرعی اول پژوهش حاضر نیز تأیید شده است، بدین معنی که آموزش به شیوه قصه گویی و بازی بر بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**جدول ۳: آماره های توصیفی نمره بهبود عملکرد دانش آموزان بر اساس نوع آموزش**

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
استقلال	آزمایش	۲۰	۲۴/۷	۱/۱۱
پس آزمون	گواه	۲۰	۱۴	۱/۴۱
اینده نگری	آزمایش	۲۰	۴۴	۲/۱۹
پس آزمون	گواه	۲۰	۱۴	۱/۷۷
شوخ طبعی	آزمایش	۲۰	۲۴	۲/۵۱
پس آزمون	گواه	۲۰	۱۵	۲/۵۸

برای آزمون تفاوت مولفه های بهبود عملکرد دانش آموزان در پس آزمون بر اساس گروه آزمایش و گروه کنترل از آزمون تی دو نمونه ای مستقل استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که میانگین این مولفه های در بین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری دارد. یعنی آموزش به شیوه قصه گویی بر بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار تأثیر داشته است.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر نیز به منظور بررسی تاثیر شیوه قصه گویی و بازی دروس ابتدایی بر بهبود عملکرد دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار طراحی و اجرا شد. بدین منظور از آزمون بهبود عملکرد و ایتزمن (۱۹۹۰) برای سنجش بهبود عملکرد استفاده شد. جامعه آماری در این تحقیق عبارت بود از دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند. به همین منظور از بین کلیه دانش آموزان پایه سوم ابتدایی شهر گرمسار تعداد ۴۰ دانش آموز که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ در مدارس این شهر مشغول به تحصیل بودند با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی بعنوان نمونه پژوهش انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش طی ۸ جلسه

۳۰-۱۵ دقیقه ای تحت آموزش قرار گرفت. قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل، از آزمون بهبود عملکرد و ایتمن (۱۹۹۰) بعنوان ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. سپس داده های بدست آمده با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس یکراهه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های به دست آمده نشان داد بین آزمودنی های گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه های بهبود عملکرد تفاوت معناداری وجود دارد. ( $P < 0.05$ )

نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر نشان داد آموزش دروس ابتدایی به شیوه قصه گویی و بازی موجب افزایش بهبود عملکرد دانش آموزان می شود.

به طور کلی نتایج کلی به دست آمده از پژوهش حاضر با پژوهشهای تاتل (۲۰۰۶) که در پژوهش خود نشان داد که آموزش ادبیات فارسی در بهبود توانایی برقراری ارتباط مثبت و همچنین انعطاف پذیری نوجوانان مؤثر است. گودرزی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که آموزش مهارت های زندگی به شیوه قصه گویی اثرات مثبت و مفیدی بر کاهش کمرویی کودکان دارد و می تواند به عنوان یک شیوه مناسب برای کاهش کمرویی مورد استفاده قرار گیرد و بهبود عملکرد آنان را بهبود بخشد. نتایج پژوهش هاشمی و عباسی (۱۳۹۰) نشان داد آموزش مهارت های زندگی بر کاهش کمرویی دانش آموزان مؤثر است. پژوهش جلوه گر، کارشکی و اصغری نکاح (۱۳۹۲) که تأثیر آموزش را بر حل مسأله کودکان پیش دبستانی که با قصه گویی همراه ساخته و مورد تأیید قرار داده اند؛ همخوان و همسو است.

### پیشنهاد های برگرفته از یافته های پژوهش

- ۱- باتوجه به یافته های این پژوهش می توان گفت که آموزش به شیوه قصه گویی و بازی تا حد زیادی می تواند بهبود عملکرد دانش آموزان را افزایش دهد بنابراین پیشنهاد می گردد با توجه به ضرورت بیان شده در ارتباط با آموزش، خصوصاً با شیوه های نوین از جمله قصه گویی، امید است در سازمان های مرتبط و مدارس، به ضرورت به کارگیری این شیوه توجه لازم را مبذول داشته و زمینه های لازم را جهت ایجاد جو خلاق و نوآورد در کلاس درس را ایجاد نمایند.
- ۲- از آنجاکه نتایج این پژوهش نشان داد که بین آموزش به شیوه قصه گویی و بازی بر بهبود عملکرد تأثیر دارد اجرای پژوهشی در سطح وسیع تر و با در نظر گرفتن جنسیت دانش آموزان و پسر به صورت مجزا انجام پذیرد.
- ۳- از آنجا که نتایج این پژوهش نشان داد با توجه به محدودیت زمانی و مکانی این پژوهش بهتر است پژوهش های آتی در سطح وسیع تری از کشور انجام شود تا بتوان از نتایج آن به صورت دقیق تر در برنامه ریزی ها استفاده نمود.
- ۴- اجرای پژوهش هایی با در نظر گرفتن تأثیر آموزش به شیوه قصه گویی و بازی بر متغیرهای بیشتر و در همه پایه های تحصیلی

### منابع و مآخذ

- احمدی، علی (۱۴۰۰) خلاقیت کودکان، انتشارات دنیای نو، چاپ اول
- افشاری، جلیل (۱۳۸۷) خلاقیت جوهره ی کارآفرینی، انتشارات مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- بروس کوئن (۱۳۸۶) درآمدی به جامعه شناسی تهران، نشر توتیا، مترجم محسن ثلاثی، چاپ دوازدهم.
- پولادی، مریم، (۱۳۸۷). تأثیر آموزش گروهی بر سازگاری کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- پولادی، علی، (۱۳۹۷)، مقایسه بهبود عملکرد دانش آموزان ابتدایی و راهنمایی مدارس تهران
- حسینی، افضل السادات (۱۳۹۵) تحلیل ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، رساله دوره دکتری تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس
- دانشنامه رشد (۱۳۹۶) تعریف قصه و قصه گویی و بازی. [www.roshd.ir](http://www.roshd.ir)
- سعادت، اسفندیار، صادقی، منصور (۱۳۸۴). طراحی و تدوین مدلی جهت زمینه سازی برای خلاقیت در موسسات پژوهشی کشور، دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، شماره ۱۴.

- سعیدزاده، امیروپارس جو، محمد (۱۳۹۵) مقایسه بهبود عملکرد دانش آموزان ابتدایی و راهنمایی مدارس تهران، کنفرانس بین المللی مدیریت.
- سعیدزاده، احمدرضا و سحر پارساجو، (۱۳۹۵) بهبود عملکرد، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و ادبیات فارسی ایران، قم، دبیرخانه دائمی کنفرانس،
- سلطانی، مریم، آراین، خدیجه (۱۳۹۲) اثربخشی شیوه قصه گویی و بازی به صورت گروهی در افزایش عزت نفس کودکان پایه دوم ابتدایی، فصلنامه روان شناسی تربیتی، مقاله ۵، دوره ۹، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۲، صفحه ۹۷-۱۱۰
- صادقی مال امیری، منصور (۱۳۸۵). طراحی و تدوین مدلی جهت زمینه سازی برای خلاقیت در موسسات پژوهشی کشور، دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، شماره ۱۴.
- لامزدین، ادوارد و لامزدین، مونیکا (۱۳۸۶). حل خلاق مسئله: ترجمه بهروز ارباب شیرانی و بهروز نصر آزادانی. تهران: ارکان دانش.
- مهاجری، علی (۱۳۸۸). بررسی رابطه خلاقیت معلم با خلاقیت دانش آموزان پایه چهارم و پنجم دبستان در منطقه ۱۱ تهران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ناظمی، محبوب (۱۳۸۵). رابطه فرهنگ سازمانی با میزان خلاقیت مدیران ادارات تربیت بدنی استان آذربایجان شرقی، دانشگاه ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- Bandura, A. (2006). ). Guide for constructing self-efficacy scales. In F. behavioral change. Psychological Bulletin, 84: 191-215.
- Costa, P. T. J., & McCrae, R. R. (1992). NEO Per-sonality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-fac-tor Inventory (NEO-FFI): Professional manual . Odessa: Psychological Assessment Resources. Creativity: An Interdisciplinary Approach. <http://drops.dagstuhl.De/opus/volltexte/2009/2214>.
- Creativity, Loveless, Castlo, Dorin Korb, Eysenk, Weber, Zimmerman, B. J. (1995). Self-efficacy and educational development. In A. Bandura (Ed.), Self-efficacy in changing societies (202-231). New York: Cambridge University Press.
- Loveless, Avril, Denning, Time, Fisher, Toy & Higgins, Chris (2008). Creativity – A – Scae: Mediascaps and Curriculum integration. published online: 23 september 2008. Spring science Bussines Media, LLC, 2008
- Maehr, M. & Pintrich, P. R. (1997). Advances in motivation and achievement (Vol. 10).
- Maitland, S.B., Nyberg, L., Backman, L., Nilsson, L.G., Adolfsson, R. (2009). On the structure of personality: Are there separate temperament and character factors? Personality and Individual Differences, ۴۷, ۱۸۰-۱۸۴.
- Marlatt, A. A. , Baer, J. S. & Quigley, A. A. (1995). Self-efficacy and addictive behavior. In A. Bandura (Ed.), Self-efficacy in changing societies (289-316). New York: Cambridge University Press
- Mccrae, R.R., & Costa, P. T. (2004). A contemplated revision of NEO Five Factor inventory, journal of personality and individual differences, 36, 587-596.
- Meijer, C. & Foster, S. (1988). The effect of teacher self – efficacy on referral chance. Journal of special Education. 22: 378-385.
- Moore, W. & Esselman, M. (1992, April). Teacher efficacy, power, school climate and achievement: A desegregating district's experience. Paper presented at the annual meeting of the American.



- Moran, M. & Hoy, A. (2001). Teacher efficacy: capturing an elusive construct. *Teaching and Teacher Education*, 17, 738-805.
- Pajares, F. & Valiante, G. (1997). Predictive and mediational roles of the self-efficacy beliefs of upper elementary school students. *Journal of Educational Research*, 90: 353-360.
- Parado, S.H. (2002). Effects of a teacher training workshop on creativity, cognitive school achievement, high ability studies V 13, N 1.
- Parker, G. (2008). *Psychological Testing: Principle and Application*. Second edition.
- Rahimi, M., & Asadollahi, F. (2012). EFL teachers' classroom management orientations: investigating the role of individual differences and contextual variables. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 31, 43 – 48.
- Retrieved May 20, 2008, from Academic Search Complete Cano-Garsia, F. J.,
- Rimond, Chan, D.W. (2008). General, collective, and domain – specific teacher self-efficacy among Chinese prospective and in-service teacher in Hong Kong. *Teaching and Teacher Education*, 24: 1057-1069.
- Ross, J.A. (1992). Teacher efficacy and the effect of coaching on student achievement. *Canadian journal of education*, 17(1): 51-65.
- Rushton, J.P., Bons, T.A., Hur, Y.M. (2008). The genetics and evolution of the general factor of personality. *Journal of Research in Personality*, 42, 1173-1185.
- Santrock, J.W. (2009). *Educational psychology*. America, New York: McGraw Hill.
- Just, C. (2011). A review of literature on the general factor of personality. *Personality and Individual Differences*, 50, 765-771.
- Schunk, D.H. (1991). *Learning theories: An educational perspective*. New York: MacMillan.
- Silvia, P. J., Nusbaum, E. C., Berg, C., Martin, C., & O'Connor, A. (2009). Openness to experience, in plasticity, and creativity: Exploring lower-order, high-order, and interactive effects. *Journal of Research Personality*, 43(6), 1987-1990.
- Steiner, C.M. (1974). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Bulletin*, 84: 191-215.
- Sten, M.K. & Wang, M.C. (1988). Teacher development and school improvement: The process of teacher change. *Teaching and Teacher Education*, 4: 171-178.
- *Straight Talk About Reading*, Susan L. Hall and Louisa C. Moats. Published by Contemporary Books.
- Sweet, A. (2003). Hume's phenomenology of the imagination. *The journal of Scottish Philosophy*, 5(1), 31-25.
- Tonsley, H. E. & Tinsely, D.J. (1987). Uses of factor analysis in counseling psychology research. *Journal of Counseling Psychology*, 34: 414-424.
- Torrance, E. P. (1988). The nature of creativity as manifest in 15 testing. In R. J. Sternberg (Ed.), *The nature of creativity* (pp. 43-75). New York: Cambridge University Press.
- Torrance, E. (1982). Can we teach children to think creatively? *Journal of Creative Behavior*, 6, 114-143.
- Watkinz, A. (2006). Creativity, intelligence, and personality: A critical review of the scattered literature. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 132, 355-429.